

بسمه تعالی

# قلب پاییزی من

مولود پورصفا

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۵

سرشناسه: پورصفا، مولود، ۱۳۳۵ -  
عنوان و نام پدیدآور: قلب پاییزی من / مولود پورصفا.  
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۶۸ ص.؛ ۱۴×۲۱ س.م.  
شابک: ۹-۰۸۴-۰۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: شعر فارسی-- قرن ۱۴  
موضوع: 20th century -- Persian poetry  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ابق ۴۲۳۴۲/و PIR۸۳۳۶  
رده بندی دیویی: ۸۱۱/۶۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۵۹۷۹۸

نام کتاب: قلب پاییزی من  
مؤلف: مولود پورصفا  
ناشر: ارسطو (چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵  
چاپ: مدیران  
قیمت: ۱۰۰۰ تومان  
شابک: ۹-۰۸۴-۰۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸  
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱ -  
[www.chaponastr.ir](http://www.chaponastr.ir)



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران



بنام حق که هیچگاه ناحق نبوده و نخواهد بود

تقدیم به امیر مهدی و شمیم عزیزم



## بادرود



اول مرداد ماه ۱۳۳۵ هجری شمسی در تهران به این دنیای فانی چشم گشودم.  
بر طبق تصمیمی به زادگاه پدر و مادرم اصفهان کوچ کردیم و سنین نوجوانی و جوانی را همانجا سپری کردم.

میزان تحصیلاتم لیسانس در رشته حسابداری از دانشگاه اصفهان هست.

که بعد از اتمام تحصیلات به تهران باز گشتم .  
و در حال حاضر هم از خاکم دور هستم ولی همیشه در اندیشه این خاک و ملت هستم .  
هیچ کجا وطن نمیشود ولی سرنوشت را آن که رقم میزند می پذیرم .

و خدا داند .... در چه زمانی این دنیا را ترک خواهم کرد ؟  
و کجا مدفن من خواهد بود ؟

مولود پورصفا

## مقدمه

حضرت علی (ع): کتاب غذای روح است.

سقراط: جامعه وقتی فرزاندگی و سعادت می یابد که مطالعه، کار روزانه اش باشد.

آبراهام لینکلن: بدون حکومت، می شود زندگی کرد، ولی بدون کتاب و مطبوعات نمی شود.

ویکتور هوگو: خوشبخت، کسی است که به یکی از این دو چیز دسترسی دارد، یا کتاب های خوب یا دوستانی که اهل کتاب باشند.

شکسپیر: کتاب بزرگترین اختراع بشر است .

سیسرون: اتاق بدون کتاب، مانند جسم بی روح است.

فرانسیس بیکن: کمال انسانی تنها از راه خواندن کتاب انجام می گیرد.

تولستوی: در دنیا لذتی نیست که با لذت مطالعه برابری کند.

## فهرست اشعار

صفحه	عنوان
۹	ایستادم اما با چه بهایی !
۱۰	اما گذشته در من می ماند !
۱۱	با اینهمه بدبختی! لبخندا، بیچاره دیوانه !
۱۲	سالهاست، که کفش نوئی ندارم !
۱۳	آفتاب را باور ندارد
۱۴	مردانگی کم داشتی
۱۵	سر در آخور اجنبی داری !
۱۶	کهکشان راه شیری من...؟
۱۷	دستها خالی، تا بر سر زند، مرگِ عدالت را !!
۱۸	او از عدل چه می داند؟؟
۱۹	عشق کال!
۲۰	یک ذره عدالتم آرزوست
۲۱	لیک یا لیک؟!
۲۲	کلان ابری در من نهفته
۲۳	چه خوش باور بود !!
۲۴	محو شدم در آینه چشمت
۲۵	چه بی رنگ شده حرمتها
۲۶	اما خدایا تو که می بینی!

- ۲۷ ..... نمی داند، به بند انفرادی افتاده!
- ۲۸ ..... ای نور، امیدمان مُرد
- ۲۹ ..... قلبم، هنوزهم به دیوار می کوبد!
- ۳۰ ..... بی ریشه ای بجانم فتاد
- ۳۱ ..... فقط لحظه ای
- ۳۲ ..... تولد بود یا عزا!
- ۳۳ ..... رفیقی نارفیق شد!
- ۳۴ ..... غروب کرده ام!
- ۳۵ ..... زلزله مهیبی در راه هست!؟
- ۳۶ ..... اما من که شانه به شانه اش بودم!
- ۳۷ ..... این قفس را از کی و از کجا دارد!؟
- ۳۸ ..... ای خاک مرا در آغوش بگیر
- ۳۹ ..... کاش بایگانی را کدی داشتم
- ۴۰ ..... ما دیکته می کنیم
- ۴۱ ..... دروغین لبخندم
- ۴۲ ..... توهمی بیش نیست
- ۴۳ ..... بغض در گلو مانده ام!
- ۴۴ ..... مرگ همیشه پایان نیست
- ۴۵ ..... روزی موران را امیر بودی و حالا؟
- ۴۶ ..... التماس هایت خنده داره!
- ۴۷ ..... شاید راه درست همین
- ۴۹ ..... عشقت در همان غنچگی پژمرد!
- ۵۰ ..... عشق بی فرجام

صفحه	عنوان
۵۱	... تا روز قیامت
۵۲	دل سوخته
۵۳	سفر بی پایان
۵۴	تا با هم خاکستر شویم
۵۵	کرکسها بجای عقابها
۵۶	کجائید آوازه خوانهای عاشق؟
۵۷	نامت بهاری میکند روح مرا
۵۸	شدی کبک؟!
۵۹	قلب پاییزی من
۶۰	گر، شرحه شرحه شود، جان و تنم
۶۱	من آفریده شده ام
۶۲	چشمها گویا هستند!
۶۳	مسخ شدی!
۶۴	دنیا هم مرا پس زد
۶۵	این لحظات واپسین
۶۷	بندِ نافم بریده شده با قیچی در دستِ شیطان
۶۸	رفت به جهنم!
۶۹	فقط زاده شدم، بعدش بمیرم!
۷۰	آشفته دلم را دهی سامان



**\*\* ایستادم اما با چه بهایی ! \*\***

صخره ای، مقاوم!

سالها

.

.

.

.

موج ها و توفان ها،

شلاق وار بر من،

کوبیدند!

.

.

.

ماندم!

اما رنگین!

از لجنها!

۲۰۱۵/۰۵/۷

**\*\* اما گذشته در من می ماند ! \*\***

خطوطِ رُختِ را،  
بر سنگِ گورِ عشقمان،  
نقشِ کردم !  
تا دگر بار،  
بر بامِ دل،  
ننشانمت !

۲۰۱۵/۰۵/۲

**\*\* با اینهمه بدبختی! لبخند! بیچاره دیوانه ! \*\***

شنیده بودم، با لبخند،

گره‌ها باز!

و غمها راه نگیرند!

با لبخندها شروع،

و با غل و زنجیر تمام!

۲۰۱۵/۰۴/۲۳

خنده، بهترین سلاح برای مبارزه با زندگی است.

آنتول فرانس

**\*\* ساهاست. كه كفش نونى ندارم ! \*\***

پا برهنه،  
در خاطراتِ كودكى ام، خزیدم  
باز تنبیه، باز سرزنش  
و مثل همیشه اخراج !

۲۰۱۵/۰۴/۲۳

**\*\* آفتاب را باور ندارد \*\***

زیر آفتاب،

دران شلوغی،

هلهله و خنده مستانه!

سایه ای، گرسنه ای ناشناس،

لرزان،

گذر کرد!

۲۰۱۵/۰۴/۱۹

**\*\* مردانگی کم داشتی \*\***

آن مشت کوبیده شده،  
بر سینه ات

درد نداشت!

اما،

کلا مها داشت!

۲۰۱۵/۰۴/۱۸

**\*\* سر در آخور اجنبی داری! \*\***

دست،

در جیبِ ملت!

پیشانی،

بر خاکِ ذلت!

آنکه،

حب و وطن، ندارد!

در این،

مرز و بوم، جایی ندارد!

۲۰۱۵/۰۴/۱۵

**\*\* کهکشان راه شیری من...؟ \*\***

با تالالویی، از عشق،

·  
·  
·

ابرنواختر و چرخان،

شدم!

·  
·  
·

فروریختم!

منظومه شمسی ام، حالا!

·  
·  
·

و تو سالهای نوری،

دور دور...!

۲۰۱۵/۰۴/۱۴



**\*\* دستها خالی. تا بر سر زنند. مرگِ عدالت را !! \*\***

عدالت،

لباسش را آویخته!

ظالم،

مظلوم را، به دار آویخته!

مهر،

از دلها گریخته!

از آسمان هم،

بلا ریخته!

۲۰۱۵/۰۴/۱۳

**\*\* او از عدل چه می داند؟؟ \*\***

ترازوی عدالت،

شانه ام را خُرد!

و

قاضی نا عادل،

مُهر بر دهانم،

داغ بر زبانم،

لجن بر روزگارم،

زد!

۲۰۱۵/۰۴/۱۳

**\*\* عشق کال! \*\***

سنگ،  
قلاّب سنگ،  
یک عشق تازه!  
یک دل جامانده!

۲۰۱۵/۰۴/۱۳

**\*\* یک ذره عدالتم آرزوست \*\***

خیابان ها، بن بست !  
پیاده رو ها، خط کشی !  
سواره ها،  
همیشه پرواز، دارند !  
پیاده ها،  
اما آه، در بساط، ندارند !

۲۰۱۵/۰۴/۱۳